

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلسله تکنگاشت‌های
الگوی اسلام‌ایران پیشرفت

الگوی اسلام‌ایران پیشرفت: پیش‌نیازها، اصول و آسیب‌ها

اردیبهشت ۱۳۹۳

رهبر فرزانه انقلاب اسلامی:

**باید در طراحی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت
بر چهار عرصه‌ی فکر، علم، معنویت و زندگی تکیه شود
که در این میان، موضوع «فکر» بنیانی‌تر از بقیه‌ی عرصه‌ها است**

در دیدار اعضای شورای عالی
مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
۱۳۹۱/۱۲/۱۴

سرشناسه : ذوعلم، علی، ۱۳۴۴ -
عنوان و نام پدیدآور : الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: پیش‌نیازها، اصول و آسیب‌ها /
نگارش علی ذوعلم؛ [په سفارش] مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
مشخصات نشر : تهران: الگوی پیشرفت، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری : ۳۶ ص.
فروست : سلسله تکنگاشت‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: ۹.
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۶۴۹-۳-۷-۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
یادداشت : کتابنامه .
موضوع : رشد اقتصادی -- ایران -- برنامه‌ریزی
موضوع : پیشرفت -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
شناسه افزوده : مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
رده بندی کنگره : ۱۳۹۳ الف۷/۵۹. HC۴۷۲
رده بندی دیویی : ۳۴۰/۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی : ۳۵۴۵۹۵۴

سلسله تک نگاشت‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت:
الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: پیش‌نیازها، اصول و آسیب‌ها

نگارش: حجت الاسلام دکتر علی ذوعلم (عضو هیات علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)

ناشر: نشر الگوی پیشرفت، وابسته به مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

نوبت چاپ: اول، اردیبهشت ۱۳۹۳

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۶۴۹-۳-۷-۰

قیمت: ۵۰۰۰۰ ریال

تلفن: ۰۲۱ ۸۸۰۱۴۶۴۸ - ۰۲۱ ۸۸۶۳۴۰۰۸

www.olgou.ir

Email:olgou@olgou.ir

نشانی: تهران، خیابان جلال آل احمد، روبه‌روی بیمارستان شریعتی، شماره ۳
تمامی حقوق این اثر متعلق به مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است.
مسئولیت دیدگاه‌های بیان شده در این تک نگاشت بر عهده مؤلفان محترم است.



پیشگفتار

تعیین مبانی، ارکان، چارچوب و مسیر پیشرفت کشور در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران باید با مشارکت گسترده و حضور همه جانبه دانشمندان، محققان، نخبگان دانشگاهی و حوزوی و جوانان این مرز و بوم صورت گیرد. به گواه تاریخ و تجارب گذشته، پیشرفتی همه جانبه و پایدار خواهد بود که مبانی اسلامی و اقتضائات ایرانی در آن توأمان مورد توجه باشد.

اینک مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در آستانه اتمام سه سال تلاش‌های علمی، تخصصی و فکری درباره پیشرفت اسلامی ایرانی، برگزاری نشست‌های علمی و تخصصی، تاسیس اندیشکده‌های مرکز، انتشار صدها مقاله ارزشمند و تهیه نقشه راه تدوین الگو و انجام برخی از مراحل آن، در نظر دارد با هدف تولید دانش و گسترش و تعمیق ادبیات موضوعی در حوزه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، آثاری را به صورت تک نگاشت‌های علمی فاخر منتشر نماید. تک نگاشت نوشتاری تخصصی و نیمه مبسوط است که توسط یک پژوهشگر خبره در یک موضوع خاص نگاشته می‌شود. تک نگاشت از نظر حجم و محتوا حد فاصل مقاله و کتاب است و نویسنده با پردازش و تحلیل یافته‌ها و مطالعات تخصصی پیشین و افزودن یافته‌های پژوهشی جدید خود و تحلیل جامع و منسجم آنها افق‌های تازه‌ای را در زمینه مورد بررسی می‌گشاید.

سلسله تک نگاشت‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که در مجلدات مختلف منتشر می‌شوند، حاصل تلاش جمعی از استادان، اندیشمندان و محققان دانشگاهی و حوزوی است که مراحل مختلف نگارش، ارزیابی، ویراستاری، تدوین و انتشار را با نظارت متخصصان و اهل فن گذرانده است و در اختیار صاحب‌نظران قرار می‌گیرد. در پایان از مساعدت‌ها و تلاش‌های ارزنده نویسندگان تک نگاشت‌ها و داوران و مراکز مختلف علمی و پژوهشی که ما را در تهیه، تدوین و انتشار این سلسله یاری رساندند، تقدیر و تشکر می‌شود. امید است این محتوای علمی بتواند افق‌های نو و روشنی را در پیش چشم متخصصان دانشگاهی و حوزوی بگشاید و هر روز در طی مسیر تدوین و تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت گام‌های بلندتر و استوارتری برداشته شود.



فهرست

۵	مقدمه.....
۵	پیش نیازها.....
۶	تبیین چرایی و چیستی.....
۸	تبیین الگوی مفهومی مقولات راهبردی.....
۱۳	الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (نقشه حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی).....
۱۳	«الگوی مفهومی مقولات راهبردی».....
۱۴	تبیین جنس طراحی الگو.....
۱۶	«تعریف» یا «تلفی» از پیشرفت.....
۱۷	نظریه اسلامی پیشرفت.....
۱۹	اصول حاکم بر تدوین الگو.....
۱۹	اکمال متقابل بین نظریه، الگو و اجرا.....
۲۰	الگو.....
۲۱	گفتمان‌سازی.....
۲۲	مشارکت مراکز سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و اجرایی کلان.....
۲۳	مطالبه از روندهای جاری.....
۲۴	آغاز عملی از حیطة مدیریت خویش.....
۲۵	آسیب‌شناسی تدوین و طراحی الگو.....
۲۶	باز تولید یا نفوذ مبانی نظری غربی.....
۲۶	نگاه پروژه‌ای به جای نگاه گفتمانی.....
۲۷	بوروکراسی.....
۲۸	غلبه «نظر» بر «عمل».....
۲۹	خلط پژوهش، تقنین و طراحی.....
۳۰	هدر دادن فرصت‌ها.....
۳۱	سنگین کردن انتظارات.....
۳۱	مطلق‌انگاری و مطلق‌طلبی.....
۳۲	تفکیک ایرانیت و اسلامیت.....
۳۳	عدم انسجام و پراکندگی.....
۳۳	نتیجه‌گیری و جمع‌بندی.....
۳۵	فهرست مراجع.....



مقدمه

طراحی و تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به‌عنوان نقشه راه کلان و جامع برای رشد و تعالی ملت ایران در پرتو خودباوری عمیق فرهنگی و ملی و برمبنای نگرش اسلامی ناب، اساسی‌ترین و پیچیده‌ترین راهبردی است که نظام جمهوری اسلامی ایران با هدایت الهام‌بخش رهبری حکیم و فرزانه انقلاب آن‌را دنبال می‌کند. عمق، گستردگی و پیچیدگی موضوع ایجاب می‌کند که همچنان درباره چگونگی تحقق این راهبرد تأمل و گفت‌وگو شود. در این نوشتار تلاش نویسنده بر آن است که برخی از مهم‌ترین پیش‌نیازها و اصول لازم در مسیر این کار را مورد واکاوی و تأکید قرار دهد و به برخی آسیب‌های احتمالی نیز بپردازد. ممکن است بعضی از این نکات به اجمال و اشاره در نوشته‌های صاحب‌نظران و برخی نوشته‌های صاحب این قلم نیز قبلاً مطرح شده باشد، ولی تجربه چند ساله فرآیند این کار و حضور در بعضی فعالیت‌های مرتبط، ابعاد تازه‌ای را پیش روی قرار می‌دهد که یادآوری و تأکید بر آن‌ها همچنان ضروری می‌نماید.

این نوشتار سه موضوع را مورد تأمل قرار می‌دهد: برخی پیش‌نیازهای مهم برای روشن‌تر شدن مسیر طراحی و تولید الگو، چند اصل اساسی که از هم‌اکنون برای توفیق در این امر خطیر باید لحاظ شود، و بالاخره بخشی از آسیب‌های احتمالی که روند متقن و ثمربخش طراحی و تولید الگو را ممکن است دچار کندی، توقف و یا تحریف و انحراف سازد.

پیش‌نیازها

تدوین و طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت کار سترگی است که بدون تمهید مقدمات و تأمین پیش‌نیازهای آن، هرگز صورت نخواهد بست. تأمل و بررسی پیش‌نیازهای این کار سترگ، ضرورتی است که نه تنها در آغاز، بلکه در طول مسیر هم باید مورد توجه قرار



گیرد. بخشی از این پیش‌نیازها، به مقدمات اجرایی و مدیریتی این امر مرتبط است. باید اذعان کرد که این بخش تا حدود قابل قبولی تأمین شده است. شورای عالی الگو و ساختار منحصربه‌فرد مرکز الگو از نظر مدیریتی و نیز تمهیدات اجرایی برای گردش امور مرکز، با سرعت مناسبی فراهم شده و به یاری خدای متعال، این کار در بالاترین سطح سازمانی شکل گرفته است. اما بخش مهمی از پیش‌نیازها، پیش‌نیازهای نظری و فکری است. البته این پیش‌نیازها، به تدریج شکل می‌گیرد، رشد می‌کند، مورد نقادی و واکاوی‌های مستمر قرار می‌گیرد، و بالاخره به پختگی و مقبولیت علمی و عام دست می‌یابد. در اینجا به برخی از مهم‌ترین پیش‌نیازها پرداخته شده و تلاش گردیده تا ایده‌ها و دیدگاه‌ها و پیشنهادهایی هم مطرح شود. البته این ایده‌ها و پیشنهادها، بیش از هر چیز، می‌تواند سرخ‌هایی را برای تأملات و مطالعات جدی‌تر و گسترده‌تر ارائه دهد.

تبیین چرایی و چیستی

طراحی و تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بزرگ‌ترین و پیچیده‌ترین کار علمی و راهبردی است که پیش روی نخبگان و صاحب‌نظران جامعه ما قرار دارد. پیش‌فرض‌های اساسی این فکر (ایده) این است که اولاً الگوهای کنونی توسعه نمی‌توانند پاسخ‌گوی نیازها و آرمان‌های ما باشند، ثانیاً اسلام دارای ظرفیت فکری لازم برای پشتیبانی و ارائه الگوی پیشرفت می‌باشد، ثالثاً ظرفیت علمی و راهبردی ایران در حدی است که می‌تواند الگوی پیشرفت خود را، خود طراحی و تولید کند.

البته پیش‌فرض نخست به معنای بی‌اعتنایی به تجربه‌های کنونی نیست، پیش‌فرض دوم به معنای فعلیت‌یافتگی همه ظرفیت‌های اسلام و وجود پاسخ‌های روشن به همه پرسش‌ها نمی‌باشد و پیش‌فرض سوم هم به معنای آمادگی بالفعل و سازمان یافته جامعه علمی و نخبگی کشور برای طراحی و تولید الگو نیست. در عین حال که این سه پیش‌فرض اجمالاً مورد تصدیق است، اما باید در عرصه تبیین، تفسیر و تحلیل و نیز در عرصه تحقق و فعلیت‌یافتن، پرسش‌های زیر به‌عنوان موضوعات مستقل و مهم، مورد توجه قرار گیرند.

- چرا الگوهای فعلی توسعه نمی‌تواند پاسخ‌گوی ما باشد؟

- با چه تبیین و تفسیری از اسلام، می‌توان آن‌را پشتوانه نظری و فلسفی الگوی پیشرفت

- چگونه ما می‌توانیم الگوی پیشرفت را با فکر و توان خودمان طراحی و تدوین کنیم؟ هر سه پرسش برای بخش‌هایی از جامعه ما - به‌ویژه جامعه علمی و کارشناسی - هنوز به‌طور جدی مطرح است و به بررسی و تبیین نیاز دارد. برای پاسخ به این پرسش‌ها باید به تجزیه و تحلیل آنها بپردازیم و سئوالات زیر را مورد تأمل قرار دهیم:

- آیا الگوهای کنونی توسعه، از مبانی نظری قطعی، جامع و مستند برخوردارند یا صرفاً به تئوری‌هایی متکی‌اند که ادله کافی برای اثبات آنها موجود نیست؟

- آیا این الگوها توانسته‌اند پیشرفت و توسعه موردانتظار را برای کشورهایی که آنها را پذیرفته‌اند، به‌وجود آورند؟

- آیا این الگوها در شرایط فرهنگی و اجتماعی ایران امروز راهگشا و مفید خواهند بود؟

- آیا مراد از طراحی الگوی اسلامی ایرانی به معنای طرد و نفی همه یافته‌های کشورهای به اصطلاح پیشرفته است یا می‌توان از تجارب آنان نیز استفاده کرد؟

- آیا دین اساساً می‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای کلان اجتماعی انسان‌ها باشد؟ چه کمکی از «دین» در این عرصه ساخته است؟

- ابعاد و لایه‌های پیشرفت موردنظر و شاخص‌های آن چیست و در این مورد بین نگرش اسلامی با نگرش‌های غربی چه تفاوت‌های اساسی وجود دارد؟

- طراحی این الگو چه رویکردها و اهداف مهمی را دنبال می‌کند و فرهنگ و معارف اسلامی چه بخش‌هایی از الگو را پشتیبانی می‌کند؟

- نقش نخبگان و نحوه تعامل متخصصان شاخه‌های مختلف در دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه و مراکز پژوهشی و مطالعاتی و نیز کارشناسان بخش‌های گوناگون جامعه در طراحی این الگو چیست و چگونه می‌تواند محقق شود؟

انجام پژوهش‌های به‌روز برای تبیین پرسش‌های فوق و برنامه‌ریزی‌های گسترده و دقیق آموزشی، ترویجی و اطلاع‌رسانی از طریق همه ابزارها و قالب‌های مؤثر، از پیش‌نیازهای مهمی است که علی‌رغم تلاش‌های مفید، بسیار اندک به آن پرداخته شده و باتوجه به حجم و عمق نیاز فکری جامعه - به‌ویژه جامعه نخبگان - هنوز خلأ بزرگی به‌نظر می‌رسد، که برای رفع آن به برنامه‌ها، پشتیبانی‌ها و اقدامات گسترده‌تری نیاز است. جلب مشارکت فضاها، علمی، به‌ویژه مجموعه‌های دانشجویی، در کنار حضور فعال‌تر انجمن‌های علمی و مجامع پژوهشی حوزوی و دانشگاهی، و نیز مشارکت



بیشتر رسانه‌ها و بخصوص رسانه ملی، می‌تواند در تبیین چیرستی و چرایی الگو به کار گرفته شود و باید همین‌طور باشد.

تبیین الگوی مفهومی مقولات راهبردی

رهبری فرزانه انقلاب اسلامی براساس خلأها و نیازهای جامعه اسلامی در شرایط معاصر، راهبردهایی را در سال‌های اخیر مطرح کرده‌اند. این راهبردها با توجه به عقب‌ماندگی‌های مزمن ناشی از انزوای اسلام از صحنه مدیریت اجتماعی و انفعال جامعه در برابر غرب و دست‌اندازی‌های سیاسی و فرهنگی کشورهای سلطه‌گر بخصوص در یکصد سال اخیر (قبل از پیروزی انقلاب اسلامی) ارائه شده است.

راهبردهایی از قبیل تحول بنیادین آموزش و پرورش و نوسازی نظام آموزشی کشور، تأسیس کرسی‌های آزاداندیشی، نهضت نرم‌افزاری و تولید علم، تدوین نقشه جامع علمی، مهندسی فرهنگی کشور، مقابله با جنگ نرم و ناتوی فرهنگی، اصلاح سبک زندگی، جهاد اقتصادی،... که در موقعیت‌های مختلف مطرح شده است، همه در راستای دستیابی به وضعیتی است که ایران اسلامی بتواند عقب‌ماندگی‌های خود را جبران کند و به جایگاه شایسته خود دست یابد. طبعاً توفیق جامعه ایران در این مسیر، الگویی عینی را پیش روی کشورهای اسلامی قرار می‌دهد که خودبخود کارآمدی اسلام را به‌عنوان یک راه‌حل جامع اثبات می‌کند.

در این میان "الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت" کلان‌ترین و جامع‌ترین راهبرد ارائه شده توسط مقام‌معظم‌رهبری است که به گونه‌ای جامع و بنیادین، نقشه راه پیشرفت را ترسیم می‌کند. اما نکته مهم این است که پیوند سایر راهبردهای ارائه شده توسط معظم‌له از قبیل اصلاح سبک زندگی، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، تحول در علوم انسانی و... با این راهبرد کلان و جامع، هم از جنبه نظری و هم از جنبه علمی باید تبیین گردد تا از پراکندگی در سمت و سوی پیگیری این راهبردها، پیشگیری شود.

مقولات راهبردی مطرح شده توسط مقام‌معظم‌رهبری، مرتبط با مراحل است که در تحلیل معظم‌له برای افق آینده انقلاب اسلامی، به‌عنوان یک گفتمان، تبیین شده است. در مسیر مراحل پنج‌گانه‌ای که، براساس تحلیل ایشان، انقلاب اسلامی آغاز کرده است، مرحله پنجم آن، شکل‌گیری تمدن اسلامی در سطح جهانی است که در ادامه مراحل



پیشین، یعنی شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی، استقرار نظام اسلامی، شکل‌گیری و حرکت رشد‌یابنده دولت اسلامی و شکل‌گیری جامعه اسلامی تحقق می‌یابد.

بنابراین همه این راهبردها به‌گونه‌ای با این مراحل و به‌ویژه مرحله پنجم - یعنی شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی - مرتبط می‌باشد. درک عمیق ارتباط مفهومی این راهبردها و نسبت آنها با یکدیگر و اثر متقابل نتایج و پیامدهای هریک با سایر مقولات، به پیشرفت این راهبردها کمک شایانی خواهد کرد. این راهبردها را در دو سطح کلی می‌توان طبقه‌بندی کرد: سطح نخست راهبردهایی که به‌عنوان یک حرکت بنیادین فکری و گفتمانی تلقی می‌شود، و فراتر از موضوعات و عرصه‌های خاص زندگی، ناظر به گسترده‌ترین وجوه زندگی اجتماعی است. سطح دوم، راهبردهایی است که از سویی برون‌داد و نمود عینی راهبردهای سطح نخست و یا راهکار کلان‌اجرایی و عملیاتی آنها است، و از سوی دیگر، اجزاء و عناصری است که می‌تواند برای رسیدن به راهبردهای سطح نخست، تمرین و نمونه عینی تلقی شود و یا مسیر رسیدن به آنها را ترسیم کند.

کلان‌ترین راهبرد سطح نخست، همان راهبرد حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی است. شکل‌گیری یک تمدن بر مبنای باورها و ارزش‌های اسلامی، البته به طیف گسترده‌ای از پیش‌نیازها و بستریهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری نیاز دارد. تفکر، فرهنگ، و علم به نظر می‌رسد سه رکن اصلی هر تمدنی است که براساس جهان‌بینی و فلسفه آن تمدن تعریف می‌شوند و ایفای نقش می‌کنند، و در راهبردهای ترسیم شده مقام معظم رهبری، این سه رکن از جنبه‌های گوناگون مورد توجه قرار گرفته‌اند. هنگامی که ایشان فکر، علم، معنویت و زندگی را عرصه‌های اساسی پیشرفت تعریف می‌کنند و حرکت فکری را پیش‌نیاز همه عرصه‌ها و حتی مقدم بر حرکت علمی می‌دانند (آیه‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹)، به این معنی است که همه ارکان تمدن نوین اسلامی در حرکت امروز و آینده ملت ایران باید مورد اهتمام قرار گیرد. «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» نقشه شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی است، تمدنی بر پایه‌های فکری و فلسفی اسلام ناب و برخوردار از نقاط مثبت پیشرفت‌های مادی و علمی امروز بشر، منهای کاستی‌ها و خلأهایی که ناشی از جدایی‌انگاری علم و دین، دنیا و آخرت، ماده و معنی، عقل و وحی و متأثر از مبنای جهان‌بینی اومانیستی غرب به‌وجود آمده و منشأ بحران‌های امروز جهانی گردیده است. در ذیل این الگو، نقشه جامع علمی کشور بُعد پیشرفت علمی و فناوری را با توجه به



اقتضائات، ظرفیت‌ها و مزیت‌های نسبی کشور طراحی می‌کند، و نقشه مهندسی فرهنگی کشور بُعد فرهنگی و معنوی جامعه و نگرش‌ها و خلقیاتی که باید متناسب با تمدن نوین اسلامی، در برابر آشفتگی‌ها، آسیب‌ها و نقاط دستکاری شده فرهنگ اسلامی ایران توسط تهاجم فرهنگی، تحول و رشد فرهنگی را پدید آورند. تمدن اسلامی نمی‌تواند بر مبنای علم برگرفته از مبانی فلسفی اومانیستی ساخته شود، لذا تحول در علوم انسانی و حرکت در مسیر پویایی و تولید علوم انسانی براساس مبانی اسلامی و نیازهای بومی، از اهداف اساسی نقشه جامع علمی کشور است. نوسازی و تحول نظام آموزشی زمینه اجرای نقشه جامع علمی و نیز تحول در علوم انسانی است.

علوم انسانی و فرهنگ دو مقوله کاملاً مرتبط‌اند. بدون تحول در علوم انسانی و تولید علوم انسانی اسلامی، مبانی نظری تحول فرهنگی شکل نمی‌گیرد و بنابراین اصلاح سبک زندگی - که عینی‌ترین وجه فرهنگ است - تحقق نمی‌یابد. مقابله با جنگ نرم نیز بخشی از اهداف و راهبردهای نقشه مهندسی فرهنگی است. برخلاف برخی که گمان می‌کنند همه هدف نقشه مهندسی فرهنگی کشور، مقابله با تهاجم فرهنگی است، باید تصریح کرد که حتی به فرض توقف تهاجم فرهنگی، برای ساماندهی فرهنگ و اصلاح آشفتگی‌های ناشی از عوامل بیرونی و درونی و به‌ویژه ریشه‌های مزمن خلأهای فرهنگی جامعه، تدوین و طراحی نقشه مهندسی فرهنگی از ضرورت‌های حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی است. بنابراین این نقشه خود بخش اساسی‌ای از الگوی پیشرفت است و طراحی و تدوین آن، تمرینی است برای طراحی الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی در عرصه فرهنگ.

راهبردهایی از قبیل فکرمحوری در تعلیم و تربیت، مردم‌سالاری دینی در عرصه نظام سیاسی، آزاداندیشی، پیوست‌نگاری فرهنگی، انسجام اسلامی، خودباوری ملی، نرمش قهرمانانه، اقتصاد مقاومتی، مدیریت جهادی... راهبردهای سطح دوم می‌باشند. این‌ها راهبردهایی است عملیاتی و مصداقی، که هر کدام به نوبه خود یک قطعه از نقشه (پازل) کلان پیشرفت را تعیین می‌کنند و راه را برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی باز می‌نمایند. حقیقتاً آیا بدون نظام آموزشی فکرمحور و مبتنی بر علم دینی برگرفته و مبتنی بر مبانی نگرش اسلام، می‌توان به تمدن اسلامی رسید؟ آیا بدون وجود و بسط آزاداندیشی به معنای حقیقی کلمه و رعایت حرمت و جایگاه «اندیشه» و «آزادی»، می‌توان زمینه رشد و تعمیق اندیشه‌ورزی و رها شدن از چنبره علوم انسانی و انگاره‌های مسلط بر ذهن



نخبگان جامعه را فراهم ساخت؟ آیا بدون نظام مبتنی بر مردم‌سالاری دینی و لحاظ نقش حقیقی برای حضور و مطالبه مردم و فرهنگ پاسخ‌گویی در نظام اداری و حکومتی، می‌توان به تمدن اسلامی اندیشید؟ آیا بدون مدیریت جهادی و ورود انگیزه‌های الهی و معنوی در عرصه مدیریت - به جای انگیزه‌های مادی و اقتصادی و سیاسی - می‌توان امور مهم کشور و جامعه را پیش برد و عقب‌ماندگی‌ها را جبران کرد؟... بنابراین راهبردهای سطح دوم، هم برخاسته از راهبردهای سطح نخست است و هم زمینه‌ساز تحقق آن. این راهبردها برای طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت الهام‌بخش و راهنمای مناسبی است تا دست‌اندرکاران را به مسیر عینی دست‌یابی به الگو رهنمون شود. می‌توان گفت راهبردهایی که رهبری در این زمینه‌ها مطرح می‌کنند، خود نوعی ترسیم عملی و عینی الگوی پیشرفت است. در این منظر جایگاه و وزن هر کدام از مقولات راهبردی فوق مشخص می‌شود و نظام مقولات راهبردی در «الگوی مفهومی مقولات راهبردی» تبیین می‌گردد.

اکنون براساس این نگاه نسبت به مقولات به‌ظاهر متکثری که مطرح شده است، باید سازمان و سامانه منسجم و مرتبطی عهده‌دار مدیریت و طراحی و پیگیری این مقولات باشد. واقعیت موجود، مراکز سیاستگذاری و مدیریتی متعددی است که پیگیری مقولات راهبردی را برعهده دارند. شورای عالی انقلاب فرهنگی مقولاتی از قبیل نقشه مهندسی فرهنگی، نقشه جامع علمی، تحول و نوسازی نظام آموزشی، مقابله با جنگ نرم، تحول در علوم انسانی و اصلاح سبک زندگی را برعهده دارد. درمورد مقابله با جنگ نرم، اصلاح سبک زندگی و مقوله تمدن نوین اسلامی، مراکز و نهادهای انقلابی‌ای همچون سازمان بسیج اساتید و قرارگاه خاتم‌الاولیاء^(عج) و شورای فرهنگی دفتر مقام معظم رهبری نیز فعالیت‌های مفید و گسترده‌ای را شروع کرده‌اند. مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت عهده‌دار سامان‌دهی و به‌کارگیری ظرفیت‌های علمی کشور برای طراحی و تدوین الگو است. شورای عالی فضای مجازی بخش مهمی از مقابله با جنگ نرم را در عرصه فضای مجازی برعهده دارد، شورای عالی آموزش و پرورش درمورد نظارت و هدایت تحول در نظام آموزش و پرورش دارای مسئولیت است و بر همین اساس موضوع اقتصاد مقاومتی و سیاست‌های ابلاغی اخیر مقام معظم رهبری در این مورد، مستلزم اقدامات ویژه‌ای است. در حالی که این مقولات راهبردی از نظر مفهومی و نظری کاملاً به هم مرتبط و وابسته‌اند،



به نظر می‌رسد عدم ارتباط ارگانیک و تعریف شده بین مراکز و نهادهایی که هر کدام مقولاتی خاص را پیگیری می‌کنند و عدم تقسیم کار در سطوح مختلف در میان آنان، موجب موازی‌کاری‌ها و کاهش بهره‌وری ظرفیت‌ها خواهد بود. لذا یکی از اقدامات ضروری برای بهره‌برداری بهینه از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های فکری و هم‌سویی حرکت‌هایی که در این عرصه انجام می‌گیرد، تدبیر مناسب و کارآمد برای تعامل این مراکز و ایجاد هم‌افزایی میان آنها است. البته این بدان معنی نیست که لزوماً همه تحت مدیریت واحدی قرار گیرند، بلکه حتی با حفظ مأموریت‌ها و کارویژه‌های هریک از مراکز، سیاستگذاری برای هماهنگی‌های محتوایی و نگرشی این مراکز در راستای بهره‌برداری متقابل، امکان‌پذیر و ضروری است.



الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (نقشه حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی) نوسازی و تحول نظام آموزشی تحول در علوم انسانی

برخی از خروجی‌های مصداقی و عینی:
در عرصه نظام سیاسی: مردم‌سالاری دینی
در عرصه سیاست‌های اقتصادی: اقتصاد مقاومتی
در عرصه ارتقای مدیریت: مدیریت جهادی
در عرصه تحول نظام تربیتی: تربیت فکرمحور (عقلانی)
در عرصه روابط بین‌الملل: نرمش قهرمانانه مبتنی بر مقاومت
در عرصه علاج پیامدهای فرهنگی، طرح‌های عمرانی و اجتماعی: پیوست‌نگاری فرهنگی
در عرصه تعامل فکری نخبگان: آزاداندیشی
در عرصه پیوندهای اسلامی و ملی: انسجام اسلامی و خودباوری ملی

«الگوی مفهومی مقولات راهبردی»

اکنون برای این منظور پیشنهاد می‌شود:

۱. ترکیب شورای عالی تدوین الگو که در حال حاضر متشکل از ده نفر از چهره‌های برجسته دانشگاهی و حوزوی است، بازنگری و اصلاح و تکمیل شود به گونه‌ای که نمایندگان مراکز و نهادهایی که در مقولات راهبردی سطح نخست مشغول فعالیت و مسئول تلقی می‌شوند، در این شورا حضور داشته باشند. این نمایندگان اگرچه به حیث نمایندگی مجموعه خود در شورای عالی الگو حضور می‌یابند ولی باید به گونه‌ای تعیین شوند که نماینده فکری و کارشناسی آن مجموعه باشند، نه صرفاً نماینده اسمی



و تشریفاتی. البته در ترکیب فعلی هم اعضای مشترک در حد بسیار محدودی وجود دارند، ولی حضورشان در شورای عالی الگو به عنوان نماینده مجموعه دیگر نیست. تکمیل ترکیب شورای عالی زمینه را برای ارتباط و تعامل فکری این مجموعه‌ها فراهم می‌کند.

۲. در فعالیت‌ها و برنامه‌های این مجموعه‌ها، نوعی هماهنگی و سطح‌بندی فعالیت‌ها یا تقسیم کار الزامی شود تا هم‌سوئی و استفاده از ظرفیت‌های مشترک و نیز عدم تکرار و توازی در فعالیت‌ها تأمین گردد.

۳. برای بهره‌برداری از یافته‌های مرکز تدوین الگو، و حداقل پیشگیری از شکاف بیشتر بین روندهای موجود و وضعیت مطلوب و الزاماتی که الگوی پیشرفت ایجاد می‌کند، سازوکارهایی تعریف و طراحی شود که در حد فرهنگ‌سازی، اطلاع‌رسانی، توجیه و تبیین مبانی و چارچوب‌ها... بتواند تا جای ممکن فرایندهای کنونی را در عرصه‌های مختلف به فرایندی که الگو تعیین خواهد کرد، نزدیک سازد و یا میزان عملیاتی بودن و قابلیت اجرایی یافته‌های الگو را در طول مسیر با پیوند زدن به عرصه اجرا محک بزند و خلأهای احتمالی را برطرف سازد.

به‌هر حال تأخیر در تطبیق روندهای موجود با مسیری که الگو ترسیم می‌نماید - در مواردی که میسر است - هیچ توجیه منطقی ندارد.

تبیین جنس طراحی الگو

طراحی الگو بیش از اینکه از جنس حکمت نظری باشد، از جنس حکمت عملی است. متضمن نوعی طراحی و معماری و خلاقیت و نوآوری و ابداع... است. پس نباید بیش از حد نیاز به مباحث نظری و فلسفی پرداخت. آیا برای بنای یک ساختمان، تا چه حدی به مباحثی همچون هویت وجودی مصالح ساختمان، فلسفه زمین، مبانی نظری هستی طبیعت، انسان‌شناسی و هستی‌شناسی مسکن... نیاز داریم؟!

برای تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تا چه حدی به مبانی نظری سیاست، مبانی فلسفی و کلامی قدرت و حکومت، فلسفه دولت... نیاز بوده است؟ چقدر کار نظری و مطالعاتی - از جنس پژوهش‌های آکادمیک حوزوی و دانشگاهی - درباره مفردات مباحث قانون اساسی انجام پذیرفته شده بود؟

به نظر می‌رسد یکی از آفات این حرکت و عامل کندکننده یا منحرف کننده آن، غور بیش

از حد در مقدمات بعیده فلسفی و کلامی و بازماندن از اصل کار است! قطاری سنگین و عظیم در ریل‌های نامناسبی به سرعت در حال حرکت است و کاستی‌ها و چالش‌های اساسی این ریل برای ما روشن می‌باشد. در عین حال بدون اقدام مؤثری در اصلاح عملی ریل‌ها، در داخل قطار مباحثات فلسفی و علمی مفصلی درباره برخی مسائل نظری اصلاح ریل در جریان است!

حداقل می‌توان به برخی موانع فکری، فرهنگی و اخلاقی پیشرفت مطلوب اندیشید و قدر متیقن‌ها را استخراج کرد و پس از تنقیح و حصول اجماع نسبی و اعتباربخشی، آن‌ها را در سرلوحه اصلاح فرهنگ و تربیت جامعه قرار داد. اینها بعضاً قبلاً هم مطرح شده است. همچنین طراحی الگو یک فرایند است. نگرش فرایندی به تدوین الگو در بُعد کلان کشور و به‌ویژه در مجامع علمی و پژوهشی و سیاست‌گذاری، کاملاً بجا و درست است. فرایند (یا پروسه) طراحی و تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، فرایندی طولانی، تدریجی و ذومراتب است که علی‌القاعده نقطه پایانی هم نخواهد داشت. هرچه تجربه‌های عینی و تأملات و مطالعات علمی مترکم‌تر شود، دریافت‌ها و پیشنهادها و ابتکارات جدیدی ارائه خواهد شد و الگوی پیشرفت به غنا و کارآمدی بیشتری خواهد رسید. به یک معنا می‌توان گفت همه تلاش‌های علمی و اجرایی جامعه، برای بهینه‌سازی و افزایش سرعت پیشرفت جامعه است. ده‌ها سال باید بگذرد تا دریافت‌های نگرشی و ارزشی جامعه، به بلوغ قابل قبول برسد و زمینه‌های فرهنگی و معرفتی و اخلاقی پیشرفت تقویت گردد.

از این‌رو، به‌هیچ‌وجه نباید کار تدوین و طراحی الگوی پیشرفت را، پروژه‌ای بسیار کلان تصور کرد. اما از کارآمدی ابزار پروژه نیز نباید غافل ماند. طی فرایند تدوین و تولید الگو، بدون کمک گرفتن از سازوکار پروژه‌ای، نمی‌توان پویایی و جهت‌گیری مطلوب را به دست آورد.

تدوین طرح‌واره‌های اولیه‌ای که گروه‌های علمی یا صاحب‌نظران می‌توانند ارائه دهند، گردآوری، نقد، مقایسه، تحلیل و ارزیابی آن‌ها و تعریف گام به گام مسیری برای تعیین حدود و افق کار، توأم با تلاش و زمینه‌سازی برای عملیاتی شدن یافته‌های قطعی و مطمئن، همه در قالب پروژه‌هایی باید تعریف شوند که پیشرفت کار را تضمین کند. از طرفی کل جریان تدوین و تولید الگو، یک پروژه واحد نیست، ولی، از طرف دیگر،



پژوهش‌ها و مطالعات مقدماتی و انسجام بخشیدن و اخذ ایده‌ها و دیدگاه‌های علمی و تجربه‌ها و ابداع‌ها، جز از طریق پروژه‌های علمی تعریف‌شده میسر نمی‌باشد.

«تعریف» یا «تلقی» از پیشرفت

اگرچه برای تعریف پیشرفت، پیشنهاد‌های مختلفی ارائه شده، اما به نظر می‌رسد در فرایند طراحی و تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، بیش از اینکه به تعریف نیاز داشته باشیم، باید تلقی خودمان از پیشرفت را ارائه دهیم. نه اینکه تعریف اهمیتی ندارد، بلکه به‌خاطر اینکه دستیابی به تعریف دقیق منطقی و جامع و مانع برای پیشرفت، دشوار و چه‌بسا غیرمقدور است.

تعاریف ساده‌ای از قبیل «حرکت از وضع موجود به سمت وضع مطلوب» (شاکرین، ۱۳۹۲) چندان مفید فایده نیست و تعاریف پیچیده هم غالباً مناقشه‌برانگیزند (رشاد، ۱۳۹۲). تعاریفی هم که از توسعه ارائه شده، هیچکدام خالی از مناقشه و خدشه نیست و یا وابسته به تعریف کلیدواژه‌های دیگری است که در مورد آن‌ها، اختلاف نظر فراوان است. هنگامی که توسعه «جریانی چندبعدی و به معنای ارتقای مستمر کل جامعه و نظم اجتماعی به سوی زندگی بهتر یا انسانی‌تر» (تودارو، ۱۳۶۹، ۲۳) یا «حرکت یک سیستم یکدست اجتماعی به سمت جلو» (جیروند، ۱۳۶۸، ۸۳) تعریف می‌شود، تازه باید شاخص‌ها و تعریف «زندگی بهتر» تبیین گردد یا معیارهای جلو یا عقب بودن یک جامعه تعیین شود. اگرچه تلاش صاحب‌نظران با رویکرد پژوهشی و علمی و برای بارورسازی و غنای مباحث نظری پیشرفت، تلاش سودمندی است، ولی مشخص است که تعریف ورد توافق واحدی از این طریق به دست نمی‌آید و تعاریف متعدد هم با رویکرد کاربردی و علمی، چندان مشکل را حل نمی‌کند. لذا به‌جای تعریف، باید درصدد تبیین تلقی موردنظر از «پیشرفت» باشیم. البته در «تلقی از جامعه پیشرفته» مبنای نگرشی و فلسفی نقش اساسی دارد و از همان تعاریف می‌توان استفاده کرد و به تلقی واحد نزدیک شد. اگر در منظر نگرش‌های مادی و دنیامدار، جامعه پیشرفته و رو به جلو جامعه‌ای است که شاخص‌های اقتصادی و فناوری و ابعاد مادی زندگی در آن بالا است، از منظر نگرش دینی و معنوی، جامعه‌ای که شاخص‌های عدالت، عقلانیت، ایمان، مجاهدت، معنویت، علم و... در آن بالاتر باشد، پیشرفته‌تر است. ملاحظه می‌شود

که تلقی ما از پیشرفت کاملاً تابع نظریهٔ ما دربارهٔ پیشرفت است و لذا باید تلاش کنیم تلقی دقیق‌تر و مستندتری از پیشرفت را براساس دیدگاه اسلام نسبت به انسان و رابطهٔ او با جهان هستی ارائه دهیم.

نظریهٔ اسلامی پیشرفت

خوشبختانه امروز ضرورت روشن بودن نظریهٔ اسلام دربارهٔ پیشرفت به‌عنوان پیش‌نیاز قطعی طراحی الگو، برای صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران آشکار و بدیهی شده است. بدون دستیابی به «نظریهٔ اسلامی پیشرفت» نمی‌توان به طراحی و تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت پرداخت. اما «نظریهٔ اسلامی پیشرفت» چیست؟ چه انتظاری از این نظریه وجود دارد؟ این نظریه چه پرسش‌هایی را دربارهٔ پیشرفت باید پاسخ دهد؟ آیا تفاوت دیدگاه‌های فلسفی در باب مباحث اسلامی تأثیر معنی‌داری در این نظریه خواهد داشت؟ آیا نمی‌توان ابعاد نظریهٔ اسلامی پیشرفت و یافته‌ها و دلالت‌های آن را فراتر از نحله‌ها و دیدگاه‌های کلامی و فلسفی بنا نهاد؟

به‌نظر می‌رسد در مواجهه با این پرسش‌ها، دو رویکرد را می‌توان اتخاذ کرد: رویکرد نخست، رویکرد نظری، پژوهشی و علمی محض و رویکرد دوم، رویکرد عملی و کاربردی. در رویکرد پژوهشی و علمی محض، می‌توان از اساسی‌ترین مباحث معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی آغاز کرد و با توجه به نحله‌ها و نظریه‌های مختلف کلامی، فلسفی، عرفانی، فرهنگی، فقهی، تفسیری، تاریخی،... و یا با نظر به رشته‌های مختلف علمی از قبیل جامعه‌شناسی، اقتصاد، حقوق، سیاست، مدیریت،... به طرح مباحث مربوط به نظریهٔ اسلامی پیشرفت پرداخت. این رویکرد، البته رویکرد مفید و حتی ضروری‌ای است که به برکت طرح مباحث مربوط به تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت می‌تواند جدی گرفته شود و در مراکز علمی و پژوهشی، مورد بحث حوزه و دانشگاه قرار گیرد. این مباحث، عرصه‌های گسترده‌ای از مسائل فکری و نظری را دربرمی‌گیرد و به‌سوی نظریه‌پردازی‌های متقن و ریشه‌ای سوق خواهد یافت. البته هرگز دامنهٔ چنین مباحثی محدود نخواهد بود و دیدگاه‌های متکثر و متفاوت مطرح می‌شود و در فرایندی علمی، به مباحثات جدی در این باب دامن زده می‌شود. اما درست به‌همین دلیل - که نقطه قوت مباحث علمی و پژوهشی است - با این رویکرد لزوماً به جمع‌بندی‌های عملی که بتواند به سرانجام روشنی



برسد و به یک طرح و الگو منتهی گردد، نمی‌توان رسید. جمع‌بندی‌هایی که در عمل راهگشا باشند، صرفاً از طریق مباحثات علمی به دست نمی‌آیند، گرچه از آن‌ها بهره‌برداری می‌کنند. بنابراین به رویکردی عملی و کاربردی برای رسیدن به نظریه اسلامی پیشرفت نیاز داریم. نظریه اسلامی پیشرفت با رویکرد عملی و کاربردی، مجموعه‌ای از گزاره‌های منسجم و به‌هم‌پیوسته است که اصول، ابعاد، شاخص‌ها، رویکردها، راهبردها و روش‌های پیشرفت جامعه را براساس باورها، مبانی، ارزش‌ها و احکام الهی تبیین می‌کند به‌گونه‌ای که این نظریه بتواند زمینه همگرایی و همفکری و هم‌افزایی تلاش‌های نظری و عملی برای پیشرفت را فراهم سازد.

در حقیقت نظریه اسلامی پیشرفت حتی‌المقدور و هرچه بیشتر براساس بنیان‌ها و منابع مورد توافق تکیه می‌کند و برای اینکه در عرصه عمل هم‌افزایی بیشتری رخ دهد، تلاش می‌کند در گیر تفاوت‌ها و تهافت‌های نظری نشود.

نظریه اسلامی پیشرفت باید بتواند با استناد به منابع اسلامی و روش اجتهادی، مؤلفه‌ها، عناصر، عرصه‌ها و ابعاد پیشرفت را مشخص کند. اولویت‌های مبنایی را مشخص نماید، شاخص‌ها را ارائه دهد و در تعیین راهبردها و حتی برخی راهکارهای کلان هم در طراحی الگو نقش داشته باشد.

به‌نظر می‌رسد چارچوب‌های رایج استنباط نظریه‌های اسلامی، کارآمدی لازم برای استخراج نظریه اسلامی پیشرفت را نداشته باشند، اما نظریه استاد جوادی آملی درباره علم دینی و منابع آن، دلالت‌های واضح و راهگشایی را برای رسیدن به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ارائه می‌دهد. در این نظریه، عقل و نقل، دو منبع «دین» شمرده می‌شوند. عقل، شامل عقل تجربی، عقل نیمه تجربی، عقل تجریدی و عقل ناب می‌باشد و نقل هم شامل قرآن کریم و روایات حضرات معصومین^(ع) و سنت و سیره آنان است. در این چارچوب یافته‌های معتبر هر دو منبع عقل و نقل با روش اجتهادی به‌کار گرفته می‌شوند و تعارض‌های احتمالی عقل و نقل، همچون تعارض بدوی برخی روایات با یکدیگر، یا تعارض مفاد روایات با ظواهر آیات قرآن کریم، در چارچوب قواعد تعادل و تراجیح جمع‌بندی و براساس قوت دلالت و اطمینان از استناد و اعتبار آن‌ها، مورد بررسی قرار می‌گیرند و ما را به جمع‌بندی و استنباط می‌رساند. حتی گاه ممکن است یک دلیل عقلی که از راه تجربه هم بدست آمده باشد، بر یک دلیل نقلی که از ظواهر آیات و روایات

استفاده می‌شود، ترجیح داده شود (جوادی‌آملی، ۱۳۸۷) البته این نظریه هنوز به خوانش عمیق‌تری در محافل و مجامع علمی نیاز دارد تا کارآمدی آن به‌عنوان یک نقطه عطف در ساختار منابع و روش‌شناسی معرفت دینی و ظرفیت آن برای حل مسائل مختلفی در این عرصه شناخته شود، اما در فرایند استنباط و تبیین «نظریه اسلامی پیشرفت» می‌تواند بسیار کارآمد و راهگشا باشد.

اصول حاکم بر تدوین الگو

تدوین و طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت فرایندی تدریجی، مستمر و تکاملی است که مسیر حرکت آن به‌سوی فرآورده‌های فکری و برنامه‌ای، باید از قبل طراحی و مراقبت شود. تولید «نقشه راه» برای طراحی الگو اقدامی ضروری است که اگرچه پیشرفت‌هایی داشته است، اما هنوز به سرانجام مطلوب نرسیده است. نقشه راهی که با اعتباربخشی لازم و به‌گونه‌ای متقن و مستند بتواند کلیت مسیر را ترسیم کند. بخش مهمی از نقشه راه طراحی الگو، اصولی است که به‌عنوان اصول راهنما باید سرلوحه برنامه‌ها و فعالیت‌های همه دست‌اندرکاران تدوین و تولید الگو قرار گیرد (ذوعلم، ۱۳۹۱). این اصول از اهمیت فراوانی برخوردار است، چراکه عمق و گستردگی و چندبعدی بودن تولید الگو، همواره پراکندگی و فراز و نشیب‌های پیش‌بینی‌نشده را به‌عنوان یک تهدید بر سر راه این کار بزرگ، محتمل می‌سازد. برای کاهش آثار منفی این احتمال، باید پیشاپیش اصولی را پذیرفت و آن‌را حقیقتاً در چارچوب اقدامات، حاکم دانست. اگرچه همین اصول ممکن است در طول مسیر تکمیل یا اصلاح شوند، ولی توجه به ضرورت این اصول و رعایت و التزام به آن، بسیار امر مهمی است. اکنون به برخی از مهم‌ترین این اصول اشاره می‌شود.

اکمال متقابل بین نظریه، الگو و اجرا

دستیابی به نظریه پیشرفت از نظر اسلام مقدمه منطقی و نظری تدوین الگو است و تدوین و طراحی الگو، مقدمه اجرای آن برای تحقق پیشرفت موردنظر اسلام و متناسب با ظرفیت‌ها و نیازها و اولویت‌های ایران اسلامی. این پیوند منطقی آیا یک‌سویه است یا دوسویه؟ آیا میزان موفقیت الگو در بازنگری و بازسازی الگوی پیشرفت نقشی خواهد داشت؟ آیا ارزیابی الگو و میزان کارآمدی آن در بازنگری نظریه بی‌تأثیر است؟ به‌نظر



می‌رسد این رابطه، اگرچه از «نظریه» آغاز می‌شود و مبانی نظری است که مبنای تولید و تدوین الگو قرار می‌گیرد، ولی در هر مرحله از مراحل تولید الگو می‌تواند پرسش‌ها و نقاط ابهام جدیدی مطرح شود و به تکمیل و غنی‌سازی نظریه منتهی گردد.

الگو

در حقیقت نظریه‌ای می‌تواند نظریه صحیح و کارآمد تلقی شود که بتواند مسائل مبنایی الگو را در مرحله طراحی پاسخ دهد و تعیین تکلیف کند. لذا این اصل را باید پذیرفت که بین نظریه و الگو، رابطه متقابل وجود دارد و نظریه، می‌تواند از طریق پرسش‌های الگو، تکمیل شود. اگرچه منابع و روش استنباط نظریه اسلامی پیشرفت ثابت است، اما برحسب نوع پرسش‌ها و دوره‌های نظری‌ای که بر سر راه طراحی الگو قرار دارد - یا براساس تبیین یا بر مبنای تبدیل موضوعات - استنباطها متفاوت می‌شود و براساس ظرفیت اجتهاد برنامه‌ای و عملی راهگشای مبنای و اصول اسلامی، نظریه پیشرفت هم ارتقاء می‌یابد و کارآمدتر می‌شود. این البته به این معنی نیست که همه عناصر نظریه اسلامی پیشرفت، متأثر از پرسش‌های الگو و متغیر است، بلکه مبانی ثابت و ارزش‌ها و آرمان‌های مطلق‌ی که وجود دارد، در مواجهه با اولویت‌ها و نیازهای الگو - که متأثر از شرایط محیطی و اولویت‌ها و مسائل عینی است - با نگاه اجتهادی، پاسخ متناسب با مسائل و چالش‌ها را ارائه می‌دهد. علاوه بر این، پژوهش‌ها و تأملات نظری جدید، می‌تواند به تعمیق و تدقیق در نظریه اسلامی پیشرفت منتهی گردد و بخشی از این تأملات ناشی از فهم صحیح مسائل و نیازهای الگو باشد.

ارتباط الگو با عرصه عمل نیز مشخصاً نمی‌تواند یک‌سویه باشد. چه بسا در فرایند طراحی و تولید الگوی پیشرفت - چه در عرصه‌های زیرمجموعه الگو و چه در سطح کلان الگو - الگوهای متعددی طراحی شود که ضمن ابتناء به مبانی و نظریه اسلامی پیشرفت، از کارآمدی یکسانی برخوردار نباشند و متناسب با عرصه عمل، ارزیابی شده، و کارآمدترین آنها انتخاب شود. بنابراین اصل اکمال متقابل، بین نظریه، الگو و اجرا از اصول مهمی است که در طراحی فرایند و ارتباط بخش‌های مختلف ستادی تولید الگو باید بدان توجه داشت. آیا بین اجرا و نظریه هم این فرض قابل تصور است که چگونگی اجرا مستقیماً بتواند در اصلاح و بازنگری نظریه تأثیرگذار باشد؟ یا تنها از طریق الگو است که اجرا در تکمیل

نظریه نقش ایفا می‌کند؟ و آیا مواردی از نظریه وجود دارد که بدون تأثیر بر الگو، مستقیماً اجرا را هدایت کند و تحت تأثیر قرار دهد؟ پاسخ این پرسش‌ها با تلقی‌های متفاوتی که ممکن است از نظریه و اجرا وجود داشته باشد و نیز با طبقه‌بندی سطوح نظریه و اجرا می‌تواند متفاوت باشد و به تأملات و مجال بیشتری نیاز دارد. قاعدتاً در مبانی روش‌شناسی تولید و طراحی الگو باید به پاسخ دقیق این پرسش‌ها دست یافت.

گفتمان‌سازی

رهبر فرزانه انقلاب در مقولات مختلف راهبردی بر اصل گفتمان‌سازی تأکید کرده‌اند، به‌ویژه در مورد الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت این اصل را مؤکداً مطرح ساخته‌اند (آیه‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱) و به دست‌اندرکاران یادآور شده‌اند که عجله و شتاب برای رسیدن به یک الگو مدنظر نیست، بلکه اشاعه این فکر و توجه و همراهی جامعه - به‌ویژه جامعه نخبگان و صاحب‌نظران - در این زمینه بسیار مهم است. همانگونه که در آغاز مقاله، تبیین چیستی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و ضرورت آن به‌عنوان یکی از پیش‌نیازهای مهم مطرح شد، محور اصلی گفتمان‌سازی، موضوع اصلی پیشرفت است. اصل گفتمان‌سازی بر این امر تأکید دارد که باید با طراحی‌های هوشمندانه و حتی با تدوین سناریوهای علمی و اثربخش، ذهنیت عمومی جامعه را متوجه این راهبرد ساخت. علاوه‌براین، خاستگاه این راهبرد را باید تبیین کرد و خطوط تمایز مهم پیشرفت در نظریه اسلامی پیشرفت را با پیشرفت در نظریه‌های غربی به روشنی ترسیم نمود. تکیه‌گاه این فکر اسلام ناب محمدی (ص) است و این اصل که فلسفه دین حق و اساس بعثت انبیاء الهی، دعوت آنان به حرکت رو به جلو و تربیت انسان‌ها در مسیر کمال و هدایت او به سوی پیشرفت واقعی است. در حقیقت اسلام چیزی نیست جز مکتب پیشرفت واقعی و همه‌جانبه انسان‌ها. گفتمان‌سازی یعنی شناساندن ابعاد پیشرفت و تقویت فکرها، اراده‌ها و بازوها برای حضور در این عرصه و تبدیل این فکر به یک دغدغه همگانی و فراگیر. گفتمان‌سازی را نباید تنها در تولید ادبیات موضوع و یا تبیین مسئله در مجامع حوزوی و دانشگاهی محدود ساخت. به‌نظر می‌رسد هنوز برنامه جامع و بلندمدت برای اجرای اصل گفتمان‌سازی تدوین نشده است.



اسلامی‌ایرانی نمی‌دانند. مجمع تشخیص مصلحت نظام در سیاست‌گذاری‌ها و سیاست‌نویسی‌ها چقدر به «الگو» می‌اندیشد؟ و شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی آموزش و پرورش، شورای عالی اقتصاد، شوراهای دیگری که هر یک در سطح کلان و ملی به فعالیت مشغول‌اند؟ در خصوص دولت، مجلس شورای اسلامی، قوه قضائیه... و حتی مدیریت عالی حوزه‌های علمیه و مراکز و مراجع منطقه‌ای و استانی چه؟ رسانه‌ها تا چه حدی خود را موظف به پیگیری مسئله و طرح دیدگاه‌ها، نقدها، نظرات و... در این موضوع می‌دانند؟ دستگاه‌های فرهنگی رسمی و ابزارها و قالب‌های گفتمان‌سازی تا چه حدی در این عرصه بکار گرفته شده‌اند؟

ملاحظه می‌شود که گفتمان‌سازی در باب الگوی اسلامی‌ایرانی پیشرفت به‌عنوان یک اصل اساسی، باید بسیار مورد اهتمام قرار گیرد و حقیقتاً در ذهن و زبان جامعه به چتر اصلی بر سر سایر راهبردها تبدیل گردد و براساس الگوی مفهومی مقولات راهبردی - که در بخش قبلی مقاله تبیین شد - یک نگاه منسجم و مرتبط شکل گیرد و جامعه با درک پیوند این مقولات حول محور الگوی اسلامی‌ایرانی پیشرفت، به ایفای نقش خود مؤمنانه‌تر، مسئولانه‌تر و آگاهانه‌تر بیاندهد.

مشارکت مراکز سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرایی کلان

الگوی اسلامی‌ایرانی پیشرفت، نقشه‌ای است برای اجرا و عمل، نه سندی است برای اعلام مواضع و نه پژوهشی است برای رشد علم و گسترش مرزهای دانش. اگرچه در حاشیه طراحی و تدوین الگو، پژوهش‌ها و اسنادی هم تولید خواهد شد، اما کارکرد اصلی الگو، نقشه عمل برای اجراست. آیا این نقشه عمل می‌تواند در خلأ و در حاشیه واقعیات عینی جامعه، نیازها، محدودیت‌ها، ظرفیت‌ها، مطالبات... ترسیم شود؟ آیا مشارکت نخبگان علمی و کارشناسی برای ارائه الگو، کافی است؟ تجربه‌ها نشان می‌دهد برای تدوین الگوها، حداقل از سه جهت باید مشارکت مراکز قانونی و رسمی دخیل در مدیریت جامعه را جلب کرد. جهت نخست استفاده از اطلاعات، تجربه‌ها و دریافت‌های عینی این مراکز از جریان امور جامعه است. کسانی که دستی از دور بر آتش دارند، گاه با تحلیل‌های ذهنی و منطقی خود به استنباط‌ها یا تجویزهایی می‌رسند که لزوماً با واقعیات عینی منطبق نیست. همانگونه که عالمان علم اقتصاد و مدیران اقتصادی یا عالمان جامعه‌شناسی با

مدیران اجتماعی همواره در این زمینه با اختلاف نظر مواجه‌اند، در تدوین و طراحی الگو اگر این مشارکت وجود نداشته باشد، الگویی طراحی می‌شود که بسیار زیبا و جامع و منطقی است، ولی در عمل موفق نخواهد بود. جهت دوم رفع یک مانع روانی احتمالی است که در صورت عدم مشارکت دست‌اندرکاران امور، در ذهن آنان شکل می‌گیرد و خود مانع توفیق الگو خواهد شد. و سومین جهت، ایجاد آمادگی و توانمندی نگرشی، مهارتی و مدیریتی دست‌اندرکاران است که در فرایند این مشارکت به تدریج شکل می‌گیرد؛ به‌ویژه لایه‌های میانی مدیران و برنامه‌ریزان و کارشناسان اگر در فرایند طراحی و تدوین الگو مشارکت جدی داشته باشند، علاوه بر اینکه خود مدافع و حامی الگو خواهند بود، در مرحله اجرا کمتر به انحراف از راهبردها و جهت‌گیری‌های الگو دچار خواهند شد. بدون اینکه محوریت نخبگان فکری و علمی در طراحی و تدوین الگو مخدوش شود، اما باید سازوکارهایی طراحی و تدوین شوند که مراکز سیاستگذاری، نهادهای برنامه‌ریزی و قانونگذاری و نیز متصدیان و مسئولان اجرایی سطوح کلان و میانی، بگونه‌ای گسترده و مؤثر و در ذیل هدایت نخبگان مسئول تولید الگو، در طراحی الگو مشارکت داشته باشند. این اصل در حال حاضر نیاز به تقویت و توجه بیشتری دارد و به‌نظر می‌رسد بخش عمده‌ای از اصل گفتمان‌سازی از این طریق می‌تواند تحقق یابد.

مطالبه از روندهای جاری

قبلاً اشاره شد که اجرای الگوی پیشرفت، جامعه را هرگز نمی‌تواند متوقف کند و نقش خود را باید در همان حال حرکت و روند امور جامعه ایفا نماید. جامعه و حرکت عظیم آن، همچون ساختمان مدرسه‌ای نیست که در چند ماه تعطیلات آن بتوان در و دیوار آن را نقاشی کرد و ساختمان آن را سامان داد. پیشرفت و الگوی اسلامی ایرانی آن نیز یک کار فیزیکی نمی‌باشد که بصورت اداری و تنها با حکم و فرمان تحقق یابد. هر قدر که فکر و بنیان‌های اندیشه‌ای و انگیزشی جامعه اصلاح شود و ارتقاء یابد، مسیر پیشرفت هموارتر می‌گردد. بنابراین از هم‌اکنون باید به‌عنوان یک اصل، پیشرفت‌گرایی و اندیشه‌رشد و بهبود و تعالی را در جای‌جای جامعه مطرح کرد و علاوه بر «گفتمان‌سازی» - که به‌عنوان یک اصل مطرح شد - به مطالبه پیشرفت از روندهای جاری نیز پرداخت. دستگاه‌های حکومتی، نهادهای رسمی، مراکز عمومی، مجموعه‌های غیردولتی ولی مؤثر



در حرکت جامعه، رسانه‌ها، دستگاه تعلیم و تربیت و دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه،... چقدر در اندیشهٔ همراهی و هم‌سویی با الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت می‌باشند؟ آیا تسریع فعالیت‌ها، افزایش خدمت‌رسانی به‌ویژه به اقشار نیازمند، اصلاح فضای فرهنگی جامعه، اصلاح سامانه‌ها و روش‌ها، بهبود فرایندها و... از لوازم پیشرفت نیست؟ آیا رفع تبعیض‌های ناروا، دست برداشتن از امتیازطلبی‌ها و ویژه‌خواری‌ها، اصلاح قوانین و مقررات و زدودن آثار فرهنگ طاغوتی در مدیریت‌ها،... پیشرفت تلقی نمی‌شود؟ لذا مطالبهٔ پیشرفت از روندها و مراکز و مسئولان امور، باید یک اصل تلقی شود و به‌ویژه رسانه‌ها این مطالبه را دائماً مطرح نمایند. این اصل خود زمینه را برای اجرای برخی اصول دیگر فراهم می‌سازد.

آغاز عملی از حیطة مدیریت خویش

پیشرفت، حقیقتی است که بدون درک ابعاد و پیش‌نیازهای آن و عزم جدی آحاد جامعه به‌ویژه نخبگان و مسئولان و مدیران، تحقق نخواهد یافت. به‌نظر می‌رسد که نمی‌توان پیشرفت را به تولید و تصویب و ابلاغ الگوی اسلامی ایران پیشرفت موقوف نمود. به‌ویژه کسانی که دست‌اندر کار تدوین الگو هستند، باید از خود آغاز کنند. نه اینکه اکنون در نقطهٔ صفر قرار داریم، اما توجه به اندیشه، انگیزه و اخلاق پیشرفت‌گرا و مراقبت عملی و نیز اتخاذ تدابیر مدیریتی برای گسترش و ریشه‌دار کردن آن، یک اصل اساسی در فرایند و روند تولید الگو است. نمی‌توان پذیرفت که در سازوکارها و نوع تعاملات و اقداماتی که در مجموعهٔ مراکز و دستگاه‌ها و نهادهای دغدغه‌مند و مسئول درمورد الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت جریان دارد، رنگ و بویی از مبانی، اصول، ارزش‌ها و قواعدی که پیش‌نیاز قطعی و یقینی پیشرفت است مشاهده نشود! نباید اینگونه تلقی شود که همه در حال نسخه نوشتن برای دیگران هستیم!

نظم و انضباط، دغدغهٔ وظیفه‌شناسی و احساس مسئولیت، جدیت در امور و تعهدات، روحیهٔ کار جمعی، تلاش علمی و پژوهشی، پذیرش نقد و نظر دیگران، قانون‌پذیری، آزاداندیشی و آزادی، معنویت‌گرایی و خداباوری، نیت خالص، اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط، هم‌افزایی و هم‌یاری،... ویژگی‌هایی است که بدون آن پیشرفت مطلوب محقق نخواهد شد. همچنین احتراز از چشم و هم‌چشمی، رقابت‌های غلط، شهرت‌طلبی، برتری‌جویی، جناح‌گرایی سیاسی و سایر ویژگی‌هایی که محل پیشرفت امور و موجب

واگرایی در کار جمعی است، از نکات مهمی است که در این مجموعه‌ها باید مشاهده شود. شاید مناسب باشد که مجموعه دست‌اندرکاران و صاحب‌نظران و مسئولانی که در گیرودار این فرایند قرار دارند، یک میثاق مشترک برای یادداشت این اصول و مراقبت در التزام به آن برای مجموعه تنظیم کنند و آن را سرلوحه رفتار سازمانی خود قرار دهند. به‌ویژه از منظر مبانی و نگرش اسلامی که بالاخره بینش و اراده انسان‌ها است که موتور حرکت جامعه است و برای تحقق پیشرفت، بینش‌ها، اراده‌ها و ایمان‌ها باید برانگیخته شود، این اصل جایگاه بسیار اثرگذاری پیدا می‌کند: 'یا ایها الذین آمنوا علیکم انفسکم...' (مائده، ۱۰۵) «از خویش‌تن آغاز کنید» در سازوکارها و فرایند طراحی و تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، خود الگوی پیشرفت باشیم و نمونه کوچکی از کار جمعی مبتنی بر اندیشه و انگیزه اسلامی را برای تعالی ایران اسلامی به نمایش بگذاریم! همچنین در محیط کار و زندگی خود نیز تلاش کنیم همین نگرش، انگیزش و منش را تسری دهیم و در توسعه فرهنگ پیشرفت در هر حدی که برایمان مقدور است، تلاش کنیم. 'فاتقواالله ما استطعتم' (تغابن، ۱۶)

آسیب‌شناسی تدوین و طراحی الگو

اهمیت الگوی پیشرفت و ضرورت سرمایه‌گذاری حداکثری انسانی و فکری و علمی برای دستیابی به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، آسیب‌شناسی جدی و صریح برای تشخیص خلأها، خلل‌ها، موانع و آفات احتمالی را ایجاب می‌کند. اهمیت مسئله موجب می‌شود که حتی آسیب‌هایی که احتمال ضعیفی برای رخداد آن وجود دارد، از دایره توجه و بررسی خارج نشود. خوشبختانه تجارب ملی و فراملی فراوانی در این عرصه وجود دارد که با درنگ در آن‌ها و ریشه‌یابی و تحلیل عوامل و زمینه‌های آسیب‌زا، و نیز با توجه به آنچه در چند سال اخیر در مسیر تلاش‌ها و تدابیر مرتبط با تولید الگو مشاهده می‌شود، می‌توان به پیش‌بینی این آسیب‌ها پرداخت و در عرصه تلقی و تعریف، تدوین و طراحی و مدیریت و هدایت کار، حداکثر تلاش را برای پیشگیری یا کاهش این آسیب‌ها مبذول داشت. آینده‌نگری، صراحت و دغدغه‌مندی نسبت به کارآمدی و اثربخشی این اقدام فراکلان ملی - که البته ابعاد فراملی و جهانی نیز دارد - خمیرمایه اصلی این آسیب‌شناسی است که در این جا به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود.



بازتولید یا نفوذ مبانی نظری غربی

الگوهای توسعه غربی بر مبانی نظری و فلسفی اومانیستی استوار است که با مبانی اسلامی کاملاً متفاوت و بلکه متعارض است. این مبانی اکثراً به عنوان «علم» و «نظریه‌های علمی» در قالب علوم انسانی رایج ارائه شده و غالباً بدون نقد و تحلیل مبانی فلسفی و نظری آن و یا اساساً بدون توجه به آن مبانی، معتبر شناخته شده است. اسلامی بودن الگوی پیشرفت، مشروط به ابتدای الگو بر مبانی اسلامی است، و این در حالی است که هنوز علوم انسانی متکی و مبتنی بر نگرش‌های اسلامی یا بطور کامل تولید نشده یا اعتبارپذیری کافی نگردیده است و فضای غالب فکری و علمی، همان فضای متأثر از مبانی غربی است. این فضا گاه بر نقد و تحلیل خود این مبانی هم تأثیر می‌گذارد و ناخودآگاه موجب بازتولید یا نفوذ همان اندیشه‌ها در مبانی به ظاهر اسلامی این علوم می‌گردد! گاه با منطق اندیشه غربی به نقد و تحلیل علوم انسانی غربی پرداخته می‌شود و طبعاً چنین نقد و تحلیلی باز هم در چارچوب همان اندیشه شکل گرفته است. این آسیب در فرایند طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، مسیر علمی کار را تهدید می‌کند. لذا برای پیشگیری از این آسیب، نقادی بنیادین اندیشه و دانش رایج در علوم انسانی و تأکید بر اصالت و استناد یافته‌ها و مبانی بر منابع اسلامی ضروری است؛ و البته این تأکید، با استفاده از تجارب علمی غرب در طراحی و تدوین الگو منافاتی ندارد. در مبانی و اصول روش‌شناسی تولید الگو باید حدود بهره‌برداری از این تجارب و عرصه‌های آن روشن شده باشد تا از بازتولید یا نفوذ اندیشه‌ها و مبانی غربی در مبانی نظری و فرایند تدوین الگو پیشگیری گردد.

نگاه پروژه‌ای به جای نگاه گفتمانی

شکل‌گیری نگرش و باور نسبت به ضرورت الگوی مستقل اسلامی و بومی برای پیشرفت کشور، و نیز امکان طراحی و تولید این الگو به دست اندیشمندان ایرانی، به‌ویژه در میان صاحب‌نظران، متخصصان و کارشناسان، مقدمه لازم برای تحقق این ایده است. بیش از دو‌یست سال است که غربی‌ها دانش توسعه و پیشتازی در پیشرفت را در انحصار خود دانسته‌اند و به دیگران القاء کرده‌اند که برای پیشرفت و رشد باید تابع ما باشید. در همین مدت تلاش کرده‌اند تا تعریف غرب از علم، دین، عقلانیت، توسعه، آزادی، دموکراسی و... را از طریق نظریه‌ها و متون درسی و در مراکز علمی و نظام آموزشی جدید در همه

جوامع تثبیت‌کنند و ذهن‌ها را به‌گونه‌ای تربیت نمایند که فرهنگ و فلسفه و تمدن غربی، تنها فرهنگ و فلسفه و تمدن معتبر و کارآمد تلقی شود. کم و بیش جهان امروز هم‌چنین نگرشی را پذیرفته است. اما امروز نگاه ایران اسلامی براساس مبانی قویم و عقلانی، این نگرش را به چالش کشیده و بر آن است که بر مبنای فلسفه و فرهنگ خود، الگویی متفاوت با الگوهای رایج غربی طراحی کند. کاری سترگ و ادعایی بزرگ که مهم‌ترین مصداق خودباوری ملی و اعتقاد به شعار «ما می‌توانیم» است. بدیهی است چرخش ذهنیت رایج و توجیه آن نسبت به این ایده نیاز به تأملات، گفت‌وگوها، مباحثه‌ها و تبیین‌های عمیق و گسترده دارد و تا وقتی این ذهنیت، هم‌سو و همراه نگردد، حتی اگر تصمیماتی هم اتخاذ شود و ابلاغ گردد، در عمل به نتیجه نخواهد رسید. لذا نگاه غالب به تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت باید نگاه گفتمانی باشد، نه نگاه پروژه‌ای. البته همانگونه که قبلاً هم مطرح شد، اجرای پروژه‌های علمی و تحقیقاتی برای این کار بزرگ ضروری است، ولی همانگونه که مقام‌معظم‌رهبری بارها تأکید کرده‌اند، تا هنگامی که گفتمان‌سازی مناسب در راستای باور و مشارکت در تدوین الگو ایجاد نشود، اقدامات پروژه‌ای صرف، مفید و مثمر نخواهد بود. غفلت از این حقیقت و کم‌توجهی به اقتضائات و لوازم آن و عدم رعایت آن در رویکرد حاکم بر هدایت فعالیت‌ها و مدیریت کلان فرایند تولید و تدوین الگو، موجب کاستی‌ها و خلأهایی خواهد شد که اگر امروز هم به چشم نیاید، اثر تخریبی خود را در آینده، در طراحی الگو و روند تحقق آن نشان خواهد داد. هر قدر به مقوله گفتمان‌سازی به‌گونه‌ای عمیق و جدی توجه بیشتری شود، زیرساخت فرهنگی و اجتماعی تدوین و اجرای الگو با استحکام بیشتری شکل خواهد گرفت و توفیق آن بیشتر تضمین خواهد شد.

بوروکراسی

از آسیب‌های مهم در فرایند تدوین و طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، گرفتاری در تار و پود بوروکراسی‌های رایج در عرصه‌های مدیریتی، پژوهشی و علمی است. نظام دیوانسالاری معیوب و کمیت‌گرا که در صدد حاکم کردن نظم سطحی‌نگر و ظاهر بینانه است و خود محصول نگرش غربی به نظام مدیریت اجتماعی است، قالب‌های پیش ساخته را بر هر فکر نو و ابتکاری تحمیل می‌کند و با حفظ کالبد آن، روح آن را از بین



می‌برد و چه بسا آن را به ضد خود تبدیل سازد. روش‌ها، شاخص‌ها و سازمان‌های مبتنی بر بوروکراسی رایج، هرگز نمی‌توانند بستر مناسبی برای نظام تدوین و طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت باشند. همین‌جا باید از اهمیت بوروکراسی مطلوب و نظام دیوانی متناسب با پیشرفت اسلامی ایرانی یاد کرد و اینکه از مؤلفه‌های مهم توفیق جامعه برای پیشرفت، حذف یا اصلاح سازوکارهای بوروکراتیک مانع پیشرفت و تحول در نظام اداری است. یکی از نمودهای این آسیب، تلقی اشتغال و درآمدزایی از فعالیت‌هایی است که در این عرصه انجام می‌شود. اگرچه خدمات افراد و مجموعه‌هایی که در این زمینه فعالیت می‌کنند، از نظر مالی و مادی باید جبران شود، ولی آفت نگرش بوروکراتیک ماهیت این فعالیت‌ها را - که باید دغدغه‌مندانه و مسئولانه باشد و به‌عنوان یک رسالت ملی و دینی و انقلابی دیده شود - به ماهیت «کار در برابر مزد» تقلیل و شأن آن را کاهش می‌دهد.

غلبه «نظر» بر «عمل»

تدوین الگوی پیشرفت، از جنس طراحی و معماری است. یک فعالیت عملی و عینی است که بتواند برای تعالی و رشد همه‌جانبه جامعه «نقشه راه» ارائه دهد. قطعاً چنین فعالیت‌هایی، باید مستند به مبانی نظری و خاستگاه علمی معتبری باشد، اما اگر جنبه نظری و فلسفی کار بر جنبه عملی آن غلبه پیدا کند، دستیابی به هدف اصلی به تأخیر خواهد افتاد و یا اساساً محقق نخواهد شد. در طراحی نقشه یک ساختمان، ابتدای این نقشه به مبانی و منابع علمی مرتبط، ضروری است ولی اصل کار، همان طراحی نقشه است. البته مباحث و مبانی علمی همواره در جریان بازخوانی و نقد و تکمیل است و طراحی نقشه ساختمان نمی‌تواند منوط به پایان یافتن این مباحث گردد.

این به آن معنی نیست که برای طراحی الگو در کوتاه‌مدت عجله شود، چراکه رسیدن به الگوی دقیق و جامع، علاوه بر پیش‌نیازهای تخصصی و علمی و نظری، به یک اجماع نخبگانی نیاز دارد که به تدریج و در فرایند تعامل فکری صاحب‌نظران و گفت‌وگوهای سازنده اجتماعی شکل می‌گیرد، بلکه به این معنی است که جهت‌گیری مباحث و مطالعات و تأملات نظری، حقیقتاً به سوی طراحی «الگو» باشد و در حد مفید و موردنیاز و مرتبط با هدف اصلی به آن‌ها پرداخته شود.

بنابراین صرف فکر، وقت و هزینه برای عرصه‌های کم‌ارتباط با جنبه عملی و عینی الگو یا

مقدمات و مبادی بعیده نظریه‌پردازی و مبانی فلسفی و یا باز کردن مباحثی که نیاز واقعی نظری در طراحی الگو نیست، گرفتار شدن در میدانی است که در فضای طراحی الگوی پیشرفت جز باز ماندن از هدف نتیجه‌ای نخواهد داشت، اگرچه ممکن است طرح همه این مباحث در فضای حوزه و دانشگاه یا مراکز پژوهشی با انگیزه علمی صرف و توسعه مرزهای دانش کاملاً موجه و مقبول باشد.

لذا یکی از آسیب‌ها که ممکن است سرمایه‌گذاری‌های فکری و همت‌ها و انگیزه‌ها را به بی‌راهه بکشاند، غفلت از هدف اصلی و غلبه مباحث و مطالعات و پژوهش‌های نظری بر جنبه عملی و اصلی تدوین و طراحی الگو است.

خلط پژوهش، تقنین و طراحی

ماهیت فعالیتی که برای تدوین «الگوی پیشرفت» لازم است، از جنس طراحی و معماری است که توأم با ابداع و خلاقیت است و محصول آن از جنس نقشه و طرح می‌باشد. این جنس فعالیت تا حدودی به تدوین سناریو و نمایشنامه شباهت دارد که نسبت‌ها، ارتباطات، فراز و نشیب‌ها، ضرائب اهمیت، تأثیرات متقابل مؤلفه‌ها و عناصر... در مجموعه به هم پیوسته آن، نقش اساسی دارد. بنابراین در الگوی پیشرفت این نکات بسیار برجسته است و تیم تدوین و طراحی، با دقت و تمرکز و انسجام کامل، به این مهم باید بپردازد. این جنس فعالیت، با همه اقسام فعالیت‌های دیگر از قبیل پژوهش، تألیف، قانون‌نویسی، سندنویسی، تولید منشور، بیانیه، مانیفست... کاملاً متفاوت است. اغلب تجربه‌هایی که تاکنون در نظام ما وجود داشته است، از جنس فعالیت‌هایی غیر از طراحی و ترسیم الگو بوده و لذا یکی از آسیب‌ها، خلط بین طراحی الگو با فعالیت‌های مذکور است. کارگروه‌ها، اندیشکده‌ها و مجموعه‌هایی که دست‌اندرکار سامان‌دهی و مدیریت کلان طراحی الگو و مسئول نظارت و هدایت بر این فرایند می‌باشند، باید به درک مشترک درباره ویژگی‌ها و اقتضائات «الگو» بودن الگو برسند و آنرا در خروجی کار لحاظ کنند. اگرچه نیاز به پژوهش و مطالعه برای رسیدن به مبانی و اطلاعات لازم و نیز نیاز به قانون و بیانیه و سند - هم در مرحله طراحی و هم در مرحله اجرایی کردن الگو - مورد تردید نیست، ولی توجه به ماهیت الگو نباید مورد غفلت قرار گیرد.



هدر دادن فرصت‌ها

طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت برای ارائه نقشه راهی است که مسیر حرکت جامعه را ترسیم و اصلاح کند و در حقیقت ریل موجود را به ریل گذاری مبتنی بر مبانی اسلامی و نیازها و شرایط کشور را براساس مطالعات و تأملات بایسته تغییر دهد.

اما آیا اقدامات کلان و خردی که در سیاستگذاری‌ها، قانونگذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها، تصمیمات و مدیریت بخش‌های مختلف جامعه صورت می‌پذیرد، تا تدوین و ارائه الگوی موردنظر، متوقف خواهد بود؟ آیا اگر این اقدامات مغایر با مسیر الگوی مطلوب باشد، اجرای الگو را دشوارتر نمی‌کند؟ آیا نباید ارتباطی دوسویه و مؤثر بین بخش‌های گوناگون مسئول تدارک و تدوین الگو با عینیت جهت‌گیری‌های جامعه وجود داشته باشد؟

چشم فرو بستن به جریان عینی امور جامعه و صبر کردن تا تدوین نهایی الگوی پیشرفت برای تطبیق امور خرد و کلان کشور با الگو، حداقل دو پیامد منفی خواهد داشت: نخست اینکه فرصت‌ها را برای سامان‌یابی و اصلاح سریع‌تر امور و دستیابی به نتایج مثبت الگو هدر خواهد داد؛ و دوم اینکه در برخی از زمینه‌ها که جهت‌گیری‌های موجود براساس ریل‌های نادرست جریان دارد، فاصله وضع موجود را از وضع مطلوبی که الگو نهایتاً ترسیم خواهد کرد، افزایش خواهد داد و کار را برای تحقق الگو دشوارتر می‌سازد.

برای پیشگیری از این پیامدها، باید سازوکاری تعریف و طراحی شود تا در نقاطی که مرکز و شورای عالی تدوین الگو به نتایج قطعی و مشخصی دست می‌یابند، آن نتایج بتواند در جریان جاری امور ورود پیدا کند و از همان نقطه، ادامه مسیر را منطبق با الگو اصلاح نماید. فایده این سازوکار علاوه بر پیشگیری از دو پیامد پیش گفته این است که یافته‌های الگو در عرصه عمل نیز آزموده می‌شود و قبل از نهایی شدن، مجال اصلاح و تکمیل می‌یابد. طبعاً مواردی که بصورت مرتبط با هم می‌تواند تأثیرگذار باشد و ارتباط ارگانیک با یکدیگر دارند، باید زمانی اجرایی شود که همه اجزاء آن بتوانند در اجرا پیاده شوند.

علاوه بر این، از هم‌اکنون با مطالعات و بررسی‌های لازم، می‌توان بسترهای مناسب و زیرساخت‌های فرهنگی برای الگوپذیری در مسیر مدیریت جامعه را فراهم ساخت. پیش از اینکه الگوی پیشرفت طراحی شده باشد، باید نیازهای بخش‌های مختلف جامعه در این جهت شناسایی شود و طراحی‌ها و اقدام‌های لازم، آغاز گردد.

به هر حال هدر دادن فرصت‌ها و عدم اقدام به یافته‌های متفن الگو - در مواردی که قابل

تحقق است و آن مرحله می‌تواند به اجرا درآید - بخاطر انتظار تا پایان طراحی کامل، و نیز تأثیر در بسترسازی‌های فرهنگی و رفتاری در جامعه برای اجرای الگو، یکی از آسیب‌های احتمالی است.

سنگین کردن انتظارات

الگوی پیشرفت، در بهترین حالتی که درست و دقیق طراحی و تدوین شود، تنها یک نقشه است و نه بیشتر. البته «نقشه»، برای درست پیمودن مسیر و رسیدن به هدف، نقش اساسی و تعیین‌کننده دارد و بدون آن نمی‌توان به‌گونه‌ای مطمئن و ثمربخش قدم از قدم برداشت، ولی فقط یکی از نیازهای ضروری برای رسیدن به اهداف است، و به تنهایی برای رسیدن به هدف اصلاً کافی نیست. پس انتظارات از الگوی پیشرفت را نباید سنگین کرد. الگوی پیشرفت حلال همه مشکلات نیست و هرگز معجزه نمی‌کند. بنابراین اگر فرهنگ قانون‌پذیری، هم‌کاری و هم‌فکری جمعی، حاکم کردن نقشه‌ها بر سلیقه‌ها... در جامعه ضعیف باشد، طبعاً الگوی پیشرفت هم به همان سرنوشتی دچار می‌شود که بسیاری از اسناد و سیاست‌ها و قوانین به آن دچار شده‌اند. یادکرد این نکته از این‌رو مهم است که برای ارتقای فرهنگ مدیریتی و اجرایی جامعه و نیز فرهنگ عمومی برای فراهم شدن زیرساخت فرهنگی حُسن اجرای الگو، از هم‌اکنون باید اندیشید.

همگام با تلاش‌های علمی و پژوهشی برای تدوین الگو، باید اقدامات آموزشی و توجیهی نیز متناسب با نقش اقشار مختلف جامعه - و بخصوص برای حوزه و دانشگاه و نهادهای فرهنگی و رسانه‌ای - طراحی و اجرایی شود.

مطلق‌انگاری و مطلق‌طلبی

علاوه بر آسیبی که در سنگین کردن بار الگو و انتظاراتی که از آن می‌رود، مطرح شد، هم در فرایند تدوین و طراحی الگو و هم در ارزیابی برون‌داد آن - یعنی الگوی ارائه شده - نباید مطلق‌انگاری و مطلق‌طلبی راه پیدا کند. الگوها همواره به تدریج تکمیل می‌شوند. مطلق‌انگاری موجب خواهد شد که پس از یک دوره تلاش فشرده، هر آنچه بدست آمده باشد ناقص، ناکارآمد و ناکافی قلمداد شود، و حتی اساساً مانع ارائه الگو خواهد شد. هر گویی در هر زمان و در هر مقوله، امری است نسبی که می‌تواند کامل شود و بهتر و



کارآمدتر از آن هم وجود داشته باشد. ضمن اینکه این نخستین تجربه ملی ما است که شکل می‌گیرد و باید زمینه‌ای را فراهم کرد که هر فرد یا مجموعه‌ای از نخبگان و صاحب‌نظران که طرحی را به‌عنوان الگو ارائه می‌دهند، آن طرح بتواند بررسی و ارزیابی شود و با رویکردی تعاملی و هم‌افزا، نسخه حداقلی مقبول بتواند ارائه گردد. به‌هر حال مطلق‌انگاری الگو و یا مطالبه الگوی پیشرفتی که بتواند بدون عیب و نقص تلقی شود و از هر جهت و برای همه طیف‌های جامعه مقبول باشد، آسیبی است که تدوین الگو را تعلیق به محال و دور از دسترس خواهد ساخت.

تفکیک ایرانیت و اسلامیت

اساساً الگوها از نوعی وحدت و بساطت حقیقی و محتوایی برخوردارند که تفکیک جنبه‌های مختلف آنها از یکدیگر، محال یا به‌غایت دشوار خواهد بود. البته عدم امکان تفکیک جنبه‌ها و ابعاد یک الگو، به معنای عدم تمایز آن ابعاد نیست. تمایزها در مرحله تحلیل و نقد و ارزیابی خود را نشان می‌دهند ولی نافی کلیت و وحدت الگو نیستند. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نیز از این قاعده مستثنی نیست. آسیبی که این الگو را ممکن است تهدید کند، تفکیک جنبه‌های اسلامی بودن آن از ابعاد ایرانی بودن آن است. این جنبه‌ها و ابعاد کاملاً درهم تنیده باید دیده شوند، اگرچه متمایز از یکدیگرند و هر کدام اقتضائات و ضرورت‌ها و ویژگی‌هایی را برای الگو ایجاد می‌کند.

لذا در مرحله تولید و تدوین الگو، نمی‌توان، به‌عنوان مثال، حوزه‌های علمیه را صرفاً مسئول اسلامیت الگو و دانشگاه‌ها را تنها مسئول ایرانیت آن تلقی کرد! درست است که پژوهش‌ها و مطالعات نظری و مبانی اسلامی موردنیاز در طراحی الگو در حوزه تمحّض حوزه‌های علمیه است و یا مطالعات محیطی و بررسی و تحلیل ظرفیت‌ها و محدودیت‌های کشور عمدتاً در حوزه تخصص دانشگاه‌ها است، ولی جنبه ایرانی بودن الگو نمی‌تواند از دایره توجه کسانی که در زمینه‌های نظری فعالیت می‌کنند دور بماند، و یا در مطالعات محیطی نمی‌تواند جنبه اسلامی بودن الگو مغفول واقع شود. الگو یک طرح یکپارچه است که صبغه اسلامی بودن و صبغه ایرانی بودن در تار و پود آن باید دیده شود، نه دو قطعه به هم الصاق شده که یکی ناظر به اسلامی بودن و دیگری ناظر به ایرانی بودن باشد! تأکید می‌شود که مآخذ و مستندات و روش‌شناسی این دو بعد، متمایز

و متفاوت‌اند، ولی الگو یکپارچه و «اسلامی ایرانی» است، نه «ایرانی» و «اسلامی». روش و فرایند طراحی الگو و تیم اصلی تولیدکننده باید به گونه‌ای طراحی و تعیین شوند، که حتی‌المقدور این یکپارچگی و درهم‌تنیدگی حاصل شود.

عدم انسجام و پراکندگی

اشاره شد که الگوها از نوعی وحدت و بساطت برخوردارند. الگوی پیشرفت یک جامعه، جامع همه ابعاد و نیازها و تضمین‌کننده همه اهداف و آرمان‌ها و نیز با ملاحظه همه ظرفیت‌ها و محدودیت‌های ملی و منطقه‌ای و جهانی طراحی می‌شود. طبعاً هرگونه ناهم‌سویی و ناهماهنگی درونی الگو آن‌را از کارآمدی ساقط می‌کند. انسجام الگو و وحدت حقیقی آن از نظر سوگیری‌ها و مبانی، حقیقتی است که تنها در واژگان و الفاظ تبلور پیدا نمی‌کند. عدم انسجام الگو، پیامد عملی و عینی مخربی در عرصه عمل و اجرا خواهد داشت. لذا در مراحل مختلف فرایند تولید و تدوین الگو، به شدت باید مراقب بود که رخنه‌ها و خلأهایی ایجاد نشود که در نهایت، موجب عدم انسجام الگو گردد. البته وجود صاحبان دیدگاه‌ها و جهت‌گیری‌های نظری و عملی و کارشناسی مختلف - و حتی متعارض - در مرحله مطالعات و بررسی‌ها و پژوهش‌ها و استفاده از دیدگاه‌ها، نقدها و پیشنهادهای آنان، موجب غنای مبانی و منابع الگو و ورزیدگی و استحکام آن خواهد شد، ولی اندک زاویه‌ای در جهت‌گیری‌هایی که متن الگو را شکل می‌دهند، قطعاً انسجام الگو را نقض می‌کند و آن‌را از الگو بودن - الگویی مؤثر و کارآمد - ساقط می‌سازد. ممکن است این زاویه‌ها، منشأ نکثر در الگوهای پیشنهادی باشد و در نهایت مراجع عالی تصمیم‌گیری با توجه به مصالح و موقعیت‌ها، یکی از الگوها را ترجیح دهند، ولی خلط جهت‌گیری‌های ذاتاً متفاوت و زاویه‌دار شدن عناصر و مؤلفه‌های الگو، مانع کارآمدی آن خواهد بود. پیشگیری از این آسیب باید در فرایند تولید و طراحی با دقت مورد ملاحظه قرار گیرد.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

برای طراحی فرایندی کارآمد و بارور در مسیر طراحی و تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، در آغاز باید به پیش‌نیازهای نظری و فکری این راهبرد کلان نظام و انقلاب به درستی اندیشید و در حد مقدور برای تمهید آن اقدام کرد. تبیین چرایی و چیستی



تولید الگوی مستقل و بومی برای پیشرفت، تبیین مدل مفهومی راهبردهایی که عمدتاً در دههٔ اخیر توسط مقام‌معظم‌رهبری مطرح شده، درک درست از رابطهٔ محتوایی این راهبردها، و به‌ویژه تلاش برای ارتباط فکری و مدیریتی مجموعه‌های پیگیری‌کننده، تأمل و تبیین در جنس «طراحی» برای الگو و التزام به اقتضائات آن، شفاف کردن تلقی ما از پیشرفت و بالاخره تلاش علمی برای استنباط «نظریهٔ اسلامی پیشرفت»، برخی از مهم‌ترین پیش‌نیازها برای طراحی الگو است. توجه به اصول حاکم بر این فرایند نیز مسئله بسیار مهمی است که در این نوشتار به پنج اصل تأکید شده است. این اصول عبارتند از: اصل اكمال متقابل بین نظریه، الگو و اجرا، اصل گفتمان‌سازی، اصل مشارکت مراکز سیاستگذاری و برنامه‌ریزی و اجرایی کلان کشور در کنار نخبگان و صاحب‌نظران، اصل مطالبه از روندهای جاری و اصل آغاز عملی از حیطة مدیریت خویش. به‌ویژه اصل آخر بسیار مهم به‌نظر می‌رسد و باید به آن توجه ویژه‌ای داشت. در بخش سوم نوشتار به آسیب‌شناسی موضوع پرداخته شده و ده آسیب احتمالی مطرح شده است: باز تولید یا نفوذ مبانی نظری غربی، نگاه پروژه‌ای به جای نگاه گفتمانی، بوروکراسی، غلبهٔ نظر بر عمل، خلط پژوهش، تقنین و طراحی، هدر دادن فرصت‌ها، سنگین کردن انتظارات، مطلق‌انگاری و مطلق‌طلبی، تفکیک ایرانیت و اسلامیت الگو و بالاخره پراکندگی و عدم انسجام آسیب‌های احتمالی‌ای است که مراقبت دست‌اندرکاران را برای پیشگیری از آن‌ها می‌طلبد. قطعاً هدایت‌های مؤثر مقام‌معظم‌رهبری و توانمندی و بلوغ فکری، علمی و مدیریتی شورای عالی الگو و مشارکت جدی و دغدغه‌های صاحب‌نظران و متفکران انقلابی و متعهد جامعهٔ ما در حدی هست که چشم‌انداز تدوین و طراحی الگو را کاملاً روشن نشان دهد و برکات علمی، اجتماعی و معنوی این راهبرد سترگ انقلاب اسلامی را به‌عنوان یکی از ثمرات اساسی انقلاب اسلامی و تبلوربخش اسلام ناب محمدی (ص) در عینیت جامعه ایران و جهان اسلام به بروز و ظهور رساند. به این امید که فرآوردهٔ این فرایند، بستر ساز ظهور دولت یار باشد. ان‌شاء...



فهرست مراجع:

- تودارو، مایکل. (۱۳۶۹). توسعه اقتصادی در جهان اسلام، ترجمه غلامعلی فرح‌ابری، تهران، سازمان برنامه و بودجه.
- جوادی‌آملی، عبدالله. (۱۳۸۷). منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، قم، اسراء.
- جیروند، عبدالله. (۱۳۶۸). توسعه اقتصادی: مجموعه عقاید، تهران، مولوی.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۹). بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۱). بیانات در جمع اعضای شورای عالی و اندیشکده‌های مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
- ذوعلم، علی. (۱۳۹۱). نقشه راه طراحی و تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در «مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، نخستین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تهران، پیام عدالت.
- رشاد، علی‌اکبر. (۱۳۹۲). تعریف پیشرفت، تهران، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
- شاکرین، حمیدرضا. (۱۳۹۲). مبانی معرفت‌شناختی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

